

بررسی میزان خشونت مردان علیه زنان و متغیرهای مرتبط با آن در میان خانواده‌های ساکن در شهر اردبیل

دکتر محمد نریمانی^۱، *دکتر حمیدرضا آقا محمدیان^۲

^۱دانشیار دانشگاه اردبیل، ^۲دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه

مقدمه: یکی از پدیده‌های خانوادگی که امروزه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است مساله اعمال خشونت در خانواده‌ها است بنابراین هدف اصلی مطالعه حاضر دستیابی به میزان خشونت مردان علیه زنان در میان خانواده‌های ساکن در شهر اردبیل و متغیرهای مرتبط با آن بوده است.

مواد و روش‌ها: برای رسیدن به اهداف مطالعه، ۴۰۰ خانواده (دارای زن و مرد) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. با توجه به ماهیت موضوع از روش تحقیق زمینه‌یابی و همبستگی استفاده شده است و ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات نیز شامل آزمون‌های زیگموند و اسنیت برای سنجش اضطراب و افسردگی، آزمون جرأت‌ورزی کمبریل و ریجی و آزمون ۵۷ سوالی آیزنگ و پرسشنامه محقق ساخته بوده است.

نتایج: نتایج مطالعه نشان می‌دهد که خشونت روانی در ۵۵/۵ درصد، خشونت اجتماعی در ۳۰ درصد و خشونت فیزیکی در ۲۸/۵ درصد خانواده‌ها وجود دارد. همچنین خشونت مردان علیه زنان با برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی چون تحصیلات بانوان، طبقه اجتماعی خانواده، میزان درآمد و سواد مردان و متغیرهای روان‌شناختی چون اضطراب، افسردگی جرأت‌ورزی زنان و مردان ارتباط دارد.

بحث: با توجه به نتایج مطالعه ضروری است خانواده‌ها با راه‌های کنار آمدن با چالش‌های زندگی آشنا شوند تا بتوانند با کنترل خشم و اضطراب و افسردگی، آرامش را جایگزین خشونت و دیگر حالات هیجانی در خانواده نمایند.

واژه‌های کلیدی: خشونت، پرخاشگری، خشم، اردبیل، خانواده

مقدمه

منظور از خشونت در این مطالعه رفتاری است که با قصد و نیت آشکار و یا پنهان برای وارد کردن آسیب فیزیکی، روانی، اجتماعی به فرد دیگر صورت می‌گیرد (۱).

اما خشونت مردان علیه زنان ابعاد متعددی را شامل می‌شود که در این راستا می‌توان به خشونت فیزیکی (یعنی رساندن به اعضای بدن با کتک، ضرب و جرح با استفاده از دست یا ابزار دیگر)، خشونت روانی (تهدید، تحقیر، سرزنش کلامی، فحاشی) خشونت اجتماعی (کنترل رفتارهای زن، در انزوای اجتماعی قرار دادن، ممنوعیت ارتباط با دیگران) و خشونت جنسی اشاره نمود (۲).

خانواده در حوزه مطالعه و تحقیق، یک واقعیت چند بعدی شناخته می‌شود به طوری که از ابعاد مختلف، موضوعات آن قابل بررسی هستند. یکی از پدیده‌های خانوادگی که امروزه مورد توجه محققان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان قرار گرفته است اعمال خشونت در خانواده و یا به اصطلاح معمول خشونت مردان علیه زنان در خانواده است.

* مشهد - میدان آزادی، دانشگاه فردوسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

تلفن: ۸۷۸۳۰۰۸-۱۱

تاریخ وصول: ۸۴/۸/۲۴ تاریخ تایید: ۸۵/۱/۲۴

اطراف خود است. این مبادله، به صورت بازخورد منفی یا مثبت صورت می‌گیرد و اهداف نهفته در نظام، بر بازخورد تأثیر دارند. مثلاً ممکن است خشونت در جهت دستیابی به هدف یا بقای نظام وسیله موثری باشد. خشونت، از طریق راه و روشی که نظام درونی و بیرونی خانواده به آن واکنش نشان می‌دهد، تحت تأثیر قرار می‌گیرد (۷).

پیروان نظریه زیست محیطی معتقدند اگر خانواده نتواند با محیط بیرونی ارتباط برقرار کند، امکان بروز خشونت (به ویژه علیه کودکان)، به وجود می‌آید. بنابراین زمانی که رابطه متقابلی بین والدین - کودک، خانواده و محیط وجود نداشته باشد، خشونت امکان بروز پیدا می‌کند (۸). در نظریه زیست محیطی، آن چه در ایجاد خشونت مهم می‌باشد این است که تفسیرهای اجتماعی این عمل را مقبول نشان می‌دهند و شبکه اجتماعی که خانواده در آن به سر می‌برد نیز تعیین کننده میزان بروز خشونت است. نظریه ناکامی - پرخاشگری بر این مبنا است که ناکامی، به خصوص زمانی که رفتار در جهت رسیدن به هدف نباشد، باعث ایجاد انگیزه (تحریکی) می‌گردد که هدف آن صدمه زدن به افراد یا اشیای دیگر است. در این صورت شرایط محیطی خاص باعث ظهور پرخاشگری (سابق پرخاشگری) می‌شود (۹).

علاوه بر نظریه‌های مذکور مطالعات متعددی در مورد میزان و علل خشونت مردان علیه زنان انجام شده است. به طوری که اعزازی در مطالعه خود نشان داده است که خشونت خانوادگی (همسر آزاری) در برگیرنده طیف گسترده‌ای از افراد با ویژگی‌های متفاوت اجتماعی و اقتصادی است. خانواده‌هایی که در آنها خشونت رواج داشته است با توجه به عواملی مانند سواد، درآمد و نوع شغل تفاوت‌های فراوانی داشتند (۱۰).

از دیگر عواملی که در ایجاد خشونت دخالت دارند می‌توان به نگرش‌های اجتماعی در مورد خشونت، نگرش نسبت به زنان، نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده و ناتوانی سازمان‌های رسمی برای کمک رسانی، ساختار مردانه

بررسی‌ها نشان می‌دهد که خشونت مردان علیه زنان در خانواده‌ها به میزان زیادی متأثر از عوامل روانی اجتماعی است و در تبیین آن نظریه‌های مختلفی چون نظریه کارکردگرایی، نظریه‌های ساختار اجتماعی (تنش، تضاد)، نظریه فمینیستی، نظریه منابع، نظریه سیستمی، نظریه زیست محیطی و نظریه ناکامی - پرخاشگری وجود دارند. به طوری که کارکردگرایان در تبیین خشونت خانوادگی معتقدند که خانواده گروهی است که وجود علایق متفاوت در این گروه ناهمگون، سبب به وجود آمدن تضادهای آشکار یا پنهان می‌شود. این تضادها، ویژگی‌ها و کارکردهای مناسب خانوادگی را از بین می‌برد و در نتیجه، باید آنها را از سر راه برداشت. رفع تضادهای خانوادگی با استفاده از وسایل قدرت و در مواردی، از راه خشونت امکان‌پذیر می‌گردد (۳).

از دیدگاه نظریه فرهنگی، فرهنگ میراث اجتماعی گذشته است که بر رفتار کنونی و آینده انسان تأثیر می‌گذارد. مردانی که با همسران خود بدرفتاری می‌کنند، در فرهنگی زندگی می‌کنند که در آن، حاکمیت مردان بسیار بیشتر از زنان است. نظریه‌های ساختار اجتماعی (تنش، تضاد) خشونت در خانواده را چنین تبیین می‌کنند که هر چه وقایع یا موقعیت‌های تنش آفرین که خانواده را تهدید می‌کنند، بیشتر باشد، احتمال بروز رفتار خشونت‌آمیز در آن خانواده بیشتر خواهد شد (۴). همچنین صاحب نظران نظریه فمینیستی معتقدند که خشونت در درون خانواده بیشتر اوقات از جانب مردان نسبت به زنان و کودکان صورت می‌گیرد. آنها معتقدند که دلایل اصلی خشونت، وجود ساختارهای اقتداری پدرسالارانه در جامعه است (۵).

بنا به نظر ویلیام کود، نظام خانواده، مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگری دارای نظامی اقتداری است و هر کس که به منافع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی دارد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وا دارد (۶).

در نظریه سیستمی، خانواده نظامی (سیستمی) در نظر گرفته می‌شود که دارای مرزهای بسته یا باز یا قابل نفوذ با محیط

می‌شود و این پدیده قابل تبیین با تئوری‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی است. به طوری که هر دو فاکتورهای روانی و اجتماعی در بروز این پدیده ایفای نقش می‌کنند. حال در مطالعه حاضر سه هدف اساسی دنبال شد، اولین هدف مطالعه این بود که میزان خشونت مردان علیه زنان در خانواده‌های ساکن در شهر اردبیل چقدر است و دومین هدف مطالعه نیز این بود که خانواده‌ها از کدام نوع خشونت خانوادگی بیشتر رنج می‌برند، و این که پدیده خشونت در خانواده‌ها با چه متغیرهایی مرتبط است، سومین هدف مطالعه محسوب می‌شود. آیا در بروز این پدیده طبقه اجتماعی خانواده (پائین، متوسط و بالا) و میزان تحصیلات زن دخالت دارد یا نه. کدام یک از متغیرهای روانی چون اضطراب، افسردگی، جرات‌ورزی، درون‌گرایی و برون‌گرایی مرد و زن، ناکامی مرد، میزان سواد مرد، فاصله سنی بین زن و مرد، میزان درآمد خانواده و خودنمایی زن با میزان خشونت مردان علیه زنان ارتباط دارد.

مواد و روش‌ها

جامعه آماری مطالعه حاضر خانواده‌های ساکن در شهر اردبیل در سال ۱۳۸۲ بودند که از جامعه مذکور ۴۰۰ خانواده که حداقل از یک زن و یک مرد تشکیل می‌شدند با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به طوری که شهر اردبیل به پنج منطقه تقسیم و از هر منطقه چهار خیابان به صورت تصادفی انتخاب شدند و از هر خیابان نیز دو کوچه به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از آزمون ۱۴ سوالی زیگموند و اسنیت برای سنجش افسردگی و اضطراب استفاده شد. ۷ سوال این آزمون افسردگی و ۷ سوال دیگر اضطراب را مورد سنجش قرار می‌دهد. ضرایب پایایی بازآزمایی و همسانی درونی این آزمون به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۹۱ گزارش شده است (۱۵). همچنین همبستگی ۷ سوالی اضطراب این آزمون با آیتم پسیکاستنی آزمون MMPI ۷/۷۲ و با ۷ مقیاس افسردگی آزمون اسنیت با مقیاس افسردگی MMPI ۰/۶۹ می‌باشد (۱۶).

سازمان‌های رسمی، نبود حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و ناآگاهی زنان از امکانات و... اشاره کرد (۹).

همچنین اعزازی در مطالعه خود نتیجه‌گیری می‌کند که افرادی که خود در زندگی شخصی قربانی خشونت خانوادگی بوده‌اند و یا حتی شاهد رفتار خشن اعضای خانواده نسبت به یکدیگر بوده‌اند در رابطه با دیگران دارای مشکلات متعددی هستند و در بعد فردی این افراد بیشتر از دیگران تمایل به استفاده از مواد مخدر و پرخاشگری دارند. و از کارایی پایینی در محیط‌های کاری برخوردارند و در بعد اجتماعی، این افراد قادر به برقراری رابطه سالم با دیگران نیستند (۱۱).

بارون و پیرون عواملی چون بی‌توجهی به عواطف زن، افراط در سیگار کشیدن و مصرف مشروبات الکلی، نادیده گرفتن دیدگاه‌های زن و برخورد با زن به عنوان یک موجود حقیر و نادان، غفلت از زن، بی‌فکری و مسخره نمودن زن، نزدیکی اجباری و یا درخواست زیاد از حد آن با خشونت مردان مرتبط است (۷). بررسی انجام شده اعزازی در ارتباط با عوامل اجتماعی - روانی پرخاشگری، نقش سطح تحصیلات، درآمد، اشتغال و بهداشت فردی را در اعمال خشونت در خانواده‌ها مؤثر می‌داند (۱۲).

تحقیق دیگری توسط استراوس و همکاران با عنوان «پشت درهای بسته: خشونت در خانواده‌های آمریکایی» انجام گرفته که براساس نتایج این بررسی ۱۶ درصد از افراد نمونه اظهار داشته‌اند که در طول یک سال انواع خشونت فیزیکی را تجربه کرده‌اند و ۳۸ درصد زنان نیز اظهار نموده‌اند که در طول زندگی مشترکشان از جانب شوهر خشونت دیده‌اند (۴).

همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که در آمریکا ۱/۶ میلیون همسر در هر سال از شوهران خود کتک می‌خورند (۱۴، ۱۳). نتیجه مطالعه امیر مرادی نشان می‌دهد که ۴۳ درصد آنها از افسردگی شدید رنج می‌برند و ۶۵ درصد آنها نیز دارای عزت‌نفس پائین هستند (۱۱).

با توجه به مبانی نظری و ادبیات پژوهشی می‌توان گفت که حداقل در ۱۶ درصد خانواده‌ها خشونت خانوادگی مشاهده

با توجه به اهداف مطالعه و ماهیت موضوع از روش توصیفی و همبستگی استفاده شده است. ضمن آن که شیوه جمع آوری اطلاعات به صورت انفرادی و در محل سکونت آزمودنی‌ها و به وسیله کارشناسان رشته علوم تربیتی صورت گرفته است. برای تحلیل آماری داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس یک عاملی و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

نتایج

نتایج مطالعه به صورت فشرده در قالب سه جدول ارائه شده است. در جدول نخست به انواع خشونت از نظر میزان و شدت پرداخته شده است. در جدول شماره ۲ نتایج مطالعه با استفاده از تحلیل واریانس یک عاملی ارائه شده است و آخرین جدول یعنی جدول شماره ۳ ارتباط ۱۸ متغیر پیش‌بینی کننده را با متغیر ملاک یعنی خشونت در خانواده نشان می‌دهد.

همچنین برای سنجش جرأت‌ورزی از آزمون جرأت‌ورزی کمبریل و ریجی استفاده شده که این آزمون در سال ۱۹۷۵ ساخته شده است و دارای ۴۰ سوال می‌باشد و مقیاس سوالات نیز پنج درجه‌ای بوده و پایایی آزمون نیز با استفاده از آلفای کرونباخ در حد ۰/۷۵ می‌باشد (۱۷). برای سنجش برون‌گرایی و درون‌گرایی زنان و مردان از آزمون ۵۷ سوالی آیزنگ استفاده شده است و پایایی این آزمون ۰/۸۰ می‌باشد (۱۸). در کنار این آزمون‌های استاندارد از پرسشنامه محقق ساخته نیز استفاده شده است که در آن جهت ارزیابی میزان خشونت در خانواده، خودنمایی زن و بعضی متغیرهای روانی اجتماعی از مقیاس‌های درجه‌بندی در قالب ۲۵ سوال پرسشنامه ای استفاده شده است. برای ارزیابی روایی صوری این پرسشنامه از نظر سه نفر روان‌سنج استفاده شده است و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ در حد ۰/۷۳ به دست آمده است.

جدول ۱- میزان و شدت انواع خشونت مردان علیه زنان

انواع خشونت	میزان						شدت				
	بله	خیر	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	درصد	فراوانی			
خشونت روانی، کلامی	۲۲۲	۱۷۸	۴۴/۵	۶۶	۳۰	۵۱	۲۳	۴۹	۲۲/۱	۵۶	۲۵/۲
خشونت اجتماعی	۱۲۸	۲۷۲	۶۸	۴۹	۳۸/۴	۳۵	۲۷/۳	۲۵	۱۹/۵	۱۹	۱۴/۸
خشونت فیزیکی	۱۴	۲۸۶	۷۱/۵	۴۵	۳۹/۵	۳۵	۳۰/۷	۱۵	۱۳/۲	۱۸	۱۷/۸
خشونت جنسی	۴۹	۱۲/۲	۳۵۱	۸۷/۸	۴۲	۸۶	۴	۸	۴	۱	۲

به خود اختصاص داده است. تنها ۳۸ درصد خانواده‌ها اظهار داشته‌اند که هیچ نوع خشونتی را از طرف همسرانشان دریافت نکرده‌اند، اما فقدان خشونت فیزیکی ۷۱/۵ درصد می‌باشد که مشاهده انواع دیگر خشونت این نسبت را تغییر داده است.

نتایج موجود در جدول شماره یک نشان می‌دهد که میزان خشونت روانی در ۵۵/۵ درصد، خشونت اجتماعی در ۳۲ درصد و خشونت فیزیکی در ۲۸/۵ درصد و خشونت جنسی در ۱۲/۲ درصد از طرف مردان علیه زنان مشاهده می‌شود، که از میان چهار نوع خشونت، بیشترین فراوانی را خشونت روانی

جدول ۲- مقایسه میزان خشونت مردان علیه زنان اردبیلی در میان چهار گروه از زنان با توجه به تحصیلات و طبقات اجتماعی آنها با استفاده از تحلیل واریانس یک عاملی

متغیرهای مستقل	منابع تغییر	جمع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	معنی داری
تحصیلات زنان	بین گروه ها	۱۷۱۹/۱۵۹	۵	۳۴۳/۸۳	۶/۵۶۲	*.۰/۰۰۰
	درون گروه ها	۲۰۵۹۱/۲۲	۳۹۳	۵۲/۳۹۵		
	مجموع	۲۲۳۱۰/۳۸۱	۳۹۸			
طبقات اجتماعی (پائین، متوسط، بالا)	بین گروه ها	۱۳۶۰/۲۰۴	۲	۶۸۰/۱۱۲	۱۶/۳۰	*.۰/۰۰۰
	درون گروه ها	۱۲۴۲۹/۶۷۷	۲۹۸	۴۱/۷۱۰		
	مجموع	۱۳۷۸۹/۸۸	۳۰۰			

علامت ستاره نمایانگر معنی دار بودن تفاوت میانگین ها می باشد.

همچنین نتایج موجود در جدول شماره ۲ نشان می دهد که F به دست آمده در رابطه با طبقات اجتماعی در سطح ۰/۰۵ معنی دار است، یعنی خشونت در خانواده با طبقه اجتماعی خانواده ها ارتباط دارد و مقایسه میانگین میزان خشونت خانواده ها نمایانگر آن است که میزان خشونت در میان خانواده های دارای طبقه اجتماعی پائین، بالاتر از خانواده های دارای طبقه اجتماعی متوسط و بالا می باشد اما میزان خشونت در میان خانواده های طبقات متوسط و بالا تفاوت معنی داری ندارد.

در رابطه با تحصیلات زنان همان طوری که از جدول شماره ۲ ملاحظه می شود F به دست آمده یعنی ۶/۵۶ معنی دار می باشد. به طوری که با توجه به مقایسه میانگین گروه ها به صورت دو به دو با استفاده از آزمون تعقیبی LSD مشاهده می شود که با بالا رفتن میزان تحصیلات زنان، میزان خشونت مردان علیه زنان کاهش یافته است. میزان خشونت مردان علیه زنان خانواده هایی که زنان تحصیلات راهنمایی و پائین تر دارند در مقایسه با زنانی که تحصیلات شان در حد فوق دیپلم و لیسانس یا بالاتر می باشند به صورت معنی داری بالاتر می باشد.

جدول ۳- متغیرهای روانی اجتماعی مرتبط با خشونت مردان علیه زنان در اردبیل

میزان خشونت		متغیرهای پیش بینی کننده		میزان خشونت		متغیرهای پیش بینی کننده	
معنی داری	همبستگی	کننده	میزان خشونت	معنی داری	همبستگی	کننده	میزان خشونت
۰/۸۶	۰/۰۰۹	برون گرایی زن	*.۰/۰۰۰	۰/۲۵	اضطراب زن		
*.۰/۰۳	-۰/۱۱	برون گرایی مرد	*.۰/۰۰۰	۰/۳۳	اضطراب مرد		
۰/۰۰۵	۰/۱۴	درون گرایی زن	۰/۶۲	۰/۰۲۵	جرات طلبی زن		
*.۰/۰۰۰	۰/۱۸	درون گرایی مرد	*.۰/۰۰۲	۰/۱۱	افسردگی زن		
*.۰/۰۰۰	۰/۵۶	ناکامی مرد	*.۰/۰۰۰	۰/۳۱	میزان سواد زن		
۰/۵۵	-۰/۳۰	فاصله سنی بین زن و مرد	*.۰/۰۰۰	۰/۳۳	افسردگی مرد		
*.۰/۰۰۰	-۰/۳۵	میزان درآمد	*.۰/۰۰۰	-۰/۳۰	میزان سواد مرد		
*.۰/۰۰۶	۰/۱۵	خودنمایی زن	*.۰/۰۰۳	۰/۱۲	جرات طلبی مرد		

علامت ستاره نمایانگر معنی دار بودن ارتباط متغیرها در سطح ۰/۰۵ می باشد.

به طوری که قوی ترین همبستگی بین ناکامی مرد با میزان خشونت در خانواده مشاهده می شود، یعنی میزان همبستگی ۰/۵۶ می باشد.

همان طوری که از جدول شماره ۳ ملاحظه می شود از میان ۱۸ متغیر پیش بینی کننده ۱۳ متغیر با میزان خشونت مردان علیه زنان در خانواده ارتباط دارد.

این یافته با نتایج مطالعه سخاوت همخوانی بیشتری دارد به طوری که در مطالعه سخاوت نیز نشان داده شده است که سطح تحصیلات زنان، درآمد خانواده بر میزان خشونت مردان علیه زنان اثر می‌گذارد. شاید بتوان در تبیین پائین بودن میزان خشونت خانوادگی در خانواده‌هایی که زنان تحصیلات بالایی دارند چنین گفت که تحصیل بالای همسر، آگاهی و توانایی آنها را در استفاده از این روش‌ها افزایش می‌دهد ضمن آن که در خانواده‌های دارای سطح اجتماعی و اقتصادی پائین وجود خشونت می‌تواند یک رفتار جبرانی باشد که در مقابل تنش و تضاد موجود در خانواده از طرف مردان سر می‌زند (۲، ۱۰).

سوال مطرح شده دیگر در مطالعه حاضر این بود که چه متغیرهای روانی اجتماعی با میزان خشونت مردان علیه زنان مرتبط است. نتایج مطالعه نمایانگر آن است که متغیر میزان ناکامی مرد بالاترین همبستگی را با خشونت خانواده دارد. به طوری که این یافته، نظریه ناکامی - پرخاشگری را مورد تأیید قرار می‌دهد چون که در این فرضیه به خصوص زمانی که رفتار در جهت رسیدن به هدف نباشد باعث ایجاد انگیزه در افراد می‌شود (۲). در کنار متغیرهای فوق میزان درآمد خانواده و میزان سواد مرد با خشونت خانوادگی ارتباط معکوس دارد به طوری که مطالعه اعزازی نیز نشان می‌دهد که خشونت خانوادگی با سواد و نوع شغل زنان و درآمد خانواده ارتباط معنی‌داری دارد (۱۰).

در تبیین ارتباط بین متغیرهای فوق شاید بتوان گفت که تحصیلات بالا راه خود شکوفایی را برای اعضاء خانواده باز می‌کند و خانواده‌های تحصیل کرده با آگاهی یافتن بر راه‌های کنار آمدن با تعارضات در روابط نزدیک، خشونت در خانواده را کمرنگ کرده و موقع مواجه شدن با موانع بیرونی یا درونی از شیوه‌های معقول چون حل مساله کمک می‌گیرند. در بسیاری از موارد عامل ناکامی به خاطر موانع بیرونی است و درآمد کمتر یکی از موانع بیرونی است.

در مرتبه دوم میزان درآمد همبستگی معکوس داشته و در گام سوم و چهارم اضطراب و افسردگی مردان با میزان خشونت آنها در خانواده همبستگی مستقیم دارد. بین میزان سواد مردان و زنان و فاصله سنی بین زن و مرد با میزان خشونت همبستگی معکوس معنی‌دار مشاهده می‌شود. ضمن آن که درون‌گرایی مرد و زن، خودنمایی زن و اضطراب زنان و افسردگی زنان با میزان خشونت مردان رابطه مستقیم اما برون‌گرایی مرد با میزان خشونت مردان علیه زنان رابطه معکوس دارد.

بحث

یکی از سوالات اصلی مطالعه حاضر این بوده است که میزان شیوع خشونت مردان علیه زنان در خانواده چقدر است. نتیجه مطالعه نشان داد که خشونت روانی در ۵۵/۷ درصد خانواده‌ها مشاهده می‌شود و در گام دوم خشونت اجتماعی قرار دارد به طوری که ۳۲ درصد آزمودنی‌ها این نوع خشونت را گزارش می‌کنند و خشونت فیزیکی در وهله سوم قرار داد (۲۸/۵ درصد). و آخرین نوع خشونت از نوع جنسی است که در ۱۲/۵ درصد خانواده‌ها گزارش می‌شود اما فقدان هیچ نوع خشونت مردان علیه زنان ۳۸ درصد بوده است. این یافته‌ها نتیجه مطالعه اشتراوس همخوانی دارد چون در این مطالعه نیز میزان خشونت فیزیکی در خانواده ۲۸ درصد گزارش شده است (۴).

سوال دیگری که در مطالعه حاضر مطرح بود این بود که خشونت مردان علیه زنان آیا با طبقه اجتماعی و تحصیلات زن ارتباط دارد؟ نتایج به دست آمده نمایانگر آن است که میزان خشونت خانوادگی با بالا رفتن میزان تحصیلات زنان کاهش معنی‌داری را نشان می‌دهد. ضمن آن که خشونت در خانواده با طبقه اجتماعی هم مرتبط است به طوری که خشونت در میان خانواده‌های دارای طبقه اجتماعی پائین بالاتر از خانواده‌های دارای طبقه اجتماعی متوسط و بالا است. اما میزان خشونت در میان خانواده‌های طبقات متوسط و بالا تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد.

یکی از ویژگی‌های افراد مضطرب و افسرده پائین بودن عزت‌نفس آنهاست به طوری که در مطالعه امیر مرادی دیده می‌شود، ۶۵ درصد از زنانی که در معرض خشونت قرار گرفته‌اند از عزت‌نفس پائین تری برخوردار بوده‌اند. و همین عزت‌نفس پائین در زنان و مردان، اضطراب و افسردگی آنها را تشدید می‌کند و این جاست که مردان برای حل معقول و منطقی مشکلات بالاخص مسایل خانوادگی از شیوه‌های مبتنی بر هیجان یعنی خشونت کمک می‌گیرند (۱۱).

به خاطر همین وقتی درآمد خانواده کم باشد احتمال بروز خشونت در خانواده نیز بیشتر خواهد بود. البته خشونت خانواده با افسردگی زن و مرد نیز ارتباط مستقیم دارد. به طوری که مطالعه امیر مرادی نیز نشان می‌دهد ۴ درصد از زنانی که مورد اذیت و آزار شوهران خود قرار گرفته‌اند از افسردگی شدید رنج می‌برند. خلق پائین مرد یا زن یا حتی اضطراب بالای زن و مرد یک عامل درونی است که مانع رسیدن اعضای خانواده به اهداف مورد نظرشان می‌شود که پیامد آن، خشونت در خانواده خواهد بود (۱۱).

منابع

- ۱- ستوده ه. ا. روان‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۷۸، ص ۱۱.
- ۲- کلاینک ال. کنار آمدن با چالش‌های زندگی، ترجمه نریمانی م، اسماعیل ولیزاده، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰.
- ۳- ساروخانی ب. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۰۳.
4. Straus MA, Gelles RJ, Steinmetz SK. Behind Closed Doors: Violence in the American Family (Garden City, MV: Anchor). 1980: 151-152.
5. Blat G, Steiu C. A hit is a hit... or is it? Approval and Tolerance of the use of Physical Force by Spouses, The Dark Side of Families: Current Familh Violence Research (Beverly Hills, Ca: sage). 1983:71-74.
- ۶- ویلیام جی، گود. خانواده و جامعه، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، نشر کتاب، ۱۳۵۲، ص ۳۰۱.
- ۷- کار م. بررسی خشونت علیه زنان در قوانین ایران، تهران، نشر توسعه، ۱۳۷۷، ص ۲۱۵.
- ۸- گیدنز آ، جامعه‌شناسی، ترجمه صبوری م، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۵.
- ۹- ریتز ج. نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه ثلاثی م، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۹، صفحات ۶۱-۶۰.
- ۱۰- اعزازی ش. خشونت خانگی، تهران، نشر سالی، ۱۳۸۰، ص ۷۴.
- ۱۱- اعزازی ش. خشونت خانوادگی بازتاب ساختار اجتماعی، مجله زنان، ۱۳۷۷، سال هفتم، شماره ۵۰، ص ۳۱.
- ۱۲- اعزازی ش. جامعه‌شناسی خانواده، تهران، نشر روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶، ص ۱۵۲.
- 13- Vander Zanden, James W. Sociology the Core, Mc Graw-Hill publishing Company, 2nd. 1990:201.
- 14- Gelles RJ. Straus MA, Harrop JW. Has Family Viotence Decreased, Journal of Mariage and the Family 1985, 50:286-291.
- ۱۵- نریمانی م. بررسی میزان و علل عود اعتیاد در معتادین خود معرف، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اردبیل، ۱۳۸۲، ص ۷۶.
- ۱۶- نریمانی م. ارزشیابی شخصیت، اردبیل، انتشارات شیخ صفی، ۱۳۸۰، ص ۹۸.
- ۱۷- محمدی ح. بررسی جرأت‌ورزی دانش‌آموزان و متغیرهای مرتبط با آن، سازمان آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ۱۳۸۲، صفحات ۸۷-۸۸.
- ۱۸- اسماعیلی م. هنجاریابی آزمون شخصیتی آیزنگ، سازمان آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴.